

## ترجمه گرترو بل از غزلیات حافظ: خوانشی صوفیانه یا غیر صوفیانه

فاطمه سعیدی، لیلا هاشمیان\*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

سال هفدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۲، ص ۷۰-۴۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7490>

### نشریه علمی سبک شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** اشعار حافظ شهرتی جهانی در بین محققان و شاعران دارد و بسیاری از پژوهشگران را شیفته خود کرده است. گرترو بل، سیاح و خاورشناس نیز یکی از این شیفتگان است. بل، پس از آشنایی کوتاهی با زبان و ادبیات فارسی، شیفته فرهنگ و زبان فارسی شد و ارتباطی عمیق و ناگسستنی با خواجه شیراز پیدا کرد و از این رهگذر به ترجمه چهل و دو غزل و یک رباعی از حافظ روی آورد. بل معتقد بود، کلام و اندیشه حافظ برای خوانندگان غربی، بهره معنایی متفاوتی با آنچه خوانندگان شرقی از آن دریافت میکنند، دارد و اخلاقیات روزگار حافظ با نظام اخلاقی دوران ما تفاوت دارد و اینکه آداب و سلوک شرقی قرابت چندانی با غرب ندارد و دیگر اینکه انعکاس و آیینی هر باور و عقیده‌ای از دیوان حافظ، به خوانش خوانندگان بستگی دارد و احتمالاً هر خواننده به نتیجه متفاوتی دست مییابد. از آنجایی که گرترو بل در تعلیقات و شرح خویش از شعر حافظ، گهگاه به سخنان ضدونقیض میپردازد و در مواردی موضع خویش را در خصوص برداشت صوفیانه یا غیر صوفیانه از غزلیات حافظ مشخص نمیکند، از این روی، در این پژوهش بر آن شدیم تا طبق الگوی هفت فن ترجمه آندره لفور، به بررسی این موضوع بپردازیم.

**روشها:** این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نگارندگان سعی داشته‌اند با الگوی لفور، ۱۵ غزل را از خوانش صوفیانه و غیر صوفیانه از ترجمه بل به شیوه تحلیل محتوا و به روش کتابخانه‌ای، مورد بررسی قرار دهند که با موضوع پژوهش، ارتباط بیشتری داشته و برای هدف این مقاله، مناسب تر بوده اند.

**یافته‌ها:** در ترجمه این غزل، تعداد ابیات افزایش یافته و گویی مترجم در تلاش برای توضیح و تفهیم بهتر موضوع بوده است. برخی از ابیات در ترجمه جایجا شده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** برداشت بل از غزلیات و خوانش در ترجمه اشعار حافظ، بیشتر خوانشی غیر صوفیانه بوده و تلاشی برای عرفانی و صوفیانه نشان دادن اندیشه‌ی حافظ ندارد؛ او همان معنای ظاهری را میپسندید و از آن حظ وافر میبرد. در این ۱۵ غزل مورد بررسی، بل در ترجمه ۶ غزل، برداشتی صوفیانه داشته و در ۹ ترجمه، برداشت او از سخن حافظ غیر صوفیانه بوده است. خوانش بل از حافظ و غزلیاتش، طبق گفته خودش، صوفیانه نیست و او را به عنوان یک معلم دینی معرفی نمیکنند.

تاریخ دریافت: ۱۰ بهمن ۱۴۰۲  
تاریخ داوری: ۱۲ اسفند ۱۴۰۲  
تاریخ اصلاح: ۲۴ اسفند ۱۴۰۲  
تاریخ پذیرش: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

#### کلمات کلیدی:

حافظ، گرترو بل، حافظ، خوانش صوفیانه، ترجمه.

\* نویسنده مسئول:

[l.hashemian@basu.ac.ir](mailto:l.hashemian@basu.ac.ir)

۳۳۴۵۳۳۳۳۳۳ (۸۱ ۹۸+)





ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Gertrude Bell's translation of Hafez's sonnets: Sufi or non-Sufi reading

F. Saeedi, L. Hashemian\*

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 January 2024

Reviewed: 02 March 2024

Revised: 14 March 2024

Accepted: 04 May 2024

KEYWORDS

Hafez, Gertrude Bell, Hafez, Sufi reading, translation.

\*Corresponding Author

[l.hashemian@basu.ac.ir](mailto:l.hashemian@basu.ac.ir)

(+98 81) 38244533

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Hafez's poems have a worldwide reputation among researchers and poets and have fascinated many researchers. Gertrude Bell, traveler and orientalist, is also one of these enthusiasts. But, after a short acquaintance with Persian language and literature, he became fascinated with Persian culture and language and found a deep and unbreakable connection with Khwaja Shiraz, and from this passerby, he turned to the translation of forty-two ghazals and one quartet by Hafez. Bell believed that Hafez's words and thought have a different meaning for western readers than what eastern readers get from it, and that the ethics of Hafez's time are different from the moral system of our time, and that the customs and conduct of the East do not have much affinity with the West, and that The reflection and perpetuity of every belief and opinion of Divan Hafez depends on the reader's reading, and probably each reader will reach a different result. Since Gertrude Bell in her comments and description of Hafez's poetry, sometimes talks about contradictory words and in some cases she does not specify her position regarding the Sufi or non-Sufi interpretation of Hafez's sonnets, therefore, in this research, we focused on it. According to the model of Andre Lefebvre's seven techniques of translation, we will investigate this issue.

**METHODOLOGY:** This research was done in a descriptive-analytical way. The authors have tried to analyze 15 ghazals from the Sufi and non-Sufi readings of Bell's translation with the method of content analysis and library method, which is more related to the subject of the research and for the purpose of this article. have been more appropriate

**FINDINGS:** In the translation of this sonnet, the number of verses has increased, as if the translator was trying to explain and understand the subject better. Some verses have been moved in the translation.

**CONCLUSION:** Bell's interpretation of the sonnets and his reading in the translation of Hafez's poems is mostly a non-Sufi reading and does not attempt to show Hafez's thought mystically and Sufily. He likes the outward meaning and gets a lot of pleasure from it. In these 15 analyzed ghazals, Bel had a Sufi interpretation in the translation of 6 ghazals, and in 9 translations, his interpretation of Hafez's speech was non-Sufi. Bell's reading of Hafez and his sonnets, according to his own words, is not Sufi and does not introduce him as a religious teacher.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7490>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 0

## مقدمه

فکر و اندیشه حافظ، دانشمندان، شاعران و جهانگردان اروپایی و مترجمان نامداری چون گوته<sup>۱</sup> و والدو امرسون<sup>۲</sup> را تحت تأثیر قرار داده است. تأثیر و نفوذ فرهنگی حافظ بر دانشمندان غربی تا جایی پیش میرود که امثال گوته را به سفری به شرق و به زادگاه حافظ وا میدارد. اگرچه این سفر، تنها در روح و فکر گوته انجام گرفت، ولی ارمغان او از این سفر نه تنها بُعد دیگری از خلاقیت او را به جهان نشان داد، بلکه جهانی بودن حافظ را نیز به دیگران ثابت کرد. ترجمه‌های اشعار حافظ به زبانهای مختلف در کشورهای دنیا حاکی از تأثیرگذاری زبانی و فرهنگی حافظ بر نویسندگان و مترجمان و شعرای آنها داشته و در نتیجه آن، فرهنگ غنی ایرانی به وسیله آثار و فکر و اندیشه عارفان و نویسندگان ما بر آنها تأثیر گذاشته است (حیدری، ۱۳۹۹: ۵-۴). این تأثیرگذاری تا بدانجا پیش رفت که بانوی انگلیسی، گرترود بل<sup>۳</sup> نیز به جرگه شیفتگان حافظ پیوست و تصمیم به ترجمه شماری از غزلیات او گرفت (ویکنز، ۱۴۰۰: ۱).

عرفان غالب و محوری در اشعار حافظ عرفان عاشقانه است؛ زیرا «به جای اصطلاحات دشوار، تعبیرات شاعرانه، رقیق و احساسی دیده میشود.» (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۶۲) تعبیراتی از قبیل اهل دل، اهل راز، اهل طریقت، اهل نظر، اکسیر، کیمیا، جام جم، عاشق به جای عارف، تجلی، توحید، توفیق، پیر مغان و ... عامل عشق در عرفان عاشقانه «حسن الهی» است. معشوق عرفانی به دام نمیافتد و شکار نمیشود «عنقا شکار کس نشود دام باز چین» (حافظ ۱۳۷۸: غزل شماره ۷) کسی نمیداند که منزلگه معشوق - «آن مه عاشق کش عیار - کجاست» یار، کامل و کمال مطلق است و «هر چه هست از قامت ناساز بیاندام» عاشق است. معشوق «ز عشق ناتمام» عاشق «مستغنی» است. اهل ناز و جفا و در عین حال مشفق است. معشوق عیان است و برای مشاهده و شهود او باید به تهذیب و تزکیه نفس پرداخت. در عرفان عاشقانه «آدمی و پری طفیل هستی عشقند» و عشق بار امانت الهی است که «فرشته نداند چیست» و خاص انسان است. عشق در دل شکسته فرود میآید و در آن هم کشش شرط است و هم کوشش؛ «کشش چو نبود از آن سو چه سود کوشیدن» (نصرتی، بهرامی، ۱۳۹۲: ۲)

وقتی سخن از ترجمه به میان میآید، آن هم ترجمه شعر، به ویژه شعر حافظ، مسلماً طرز تفکر و اندیشه مترجم در ترجمه آسکار می‌شود و مترجم نمیتواند از اعمال نظر در متن به دور باشد. یکی از خصوصیت‌های بارز شعر حافظ، چندمعنایی بودن آن است؛ این خصوصیت زبانی معمولاً در سطح واژه‌ها و تعابیر اتفاق می‌افتد و کمتر پیش میآید که بتوان آن را در ترجمه نیز منتقل کرد. بنابراین مترجم به عنوان یکی از خوانندگان شعر حافظ، ناگزیر است یکی از معانی را برگزیند و به زبان مبدأ ترجمه کند؛ بنابراین قطعاً همه مترجمان یک معنی واحد را انتخاب نمیکنند و بدین شیوه رویکرد خاص خود را به شعر حافظ نشان میدهند. از این رو است که ترجمه شعر حافظ به تفسیر، توضیح و گاه تأویل نزدیک میشود و هر مترجم میتواند رویکرد ویژه و منحصر به خود را به شعر حافظ داشته باشد (رزمجو بختیاری، ۱۴۰۰: ۲).

از آنجا که شعر فارسی و خاصه اشعار حافظ شیرازی، به جهت دربرداشتن مفاهیم مختلف و آراسته بودن به انواع آرایه‌های ادبی، چندلایه‌ای است، ترجمه آن و ارائه مفهوم حقیقی شعر و مورد نظر شاعر برای مخاطبان زبان مقصد بسیار دشوار است. اهمیت بررسی این ترجمه‌ها از آن جهت است، که از رهگذر ترجمه درست این آثار،

۱ Johann Wolfgang von Goethe

۲ Ralph Waldo Emerson

۳ Gertrude Bell

فرهنگ اصیل و ادبیات غنی ایران معرفی میشود، و جای آن است تا با بررسی و نقد منصفانه این ترجمه‌ها، نقاط قوت و ضعفشان را بیابیم و تصویری حقیقی از بزرگان ادب فارسی، به جهانیان عرضه نماییم. با توجه به اهمیت اشعار حافظ و نیز ترجمه گرتروود بل از این اشعار، برآن شدیم تا به بررسی خوانش بل از غزلیات حافظ در ترجمه‌اش بپردازیم و دریابیم خوانش او از اشعار حافظ در ترجمه‌اش، صوفیانه بوده یا غیر صوفیانه. در این راستا، این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای پرسش زیر است:

آیا گرتروود بل خوانشی صوفیانه از اشعار حافظ، در ترجمه خویش داشته است؟

و از این رهگذر به پرسشهای فرعی زیر پاسخ دهیم:

۲- ترجمه گرتروود بل تا چه حد به تفکر حافظ در غزلیاتش نزدیک است؟

۳- بل در ترجمه خود تا چه حد به اندیشه شخصی حافظ در اشعارش، پایبند بوده است؟

به منظور رسیدن به این پرسش، پس از بررسی پیکره و محتوای پژوهش به روش کتابخانه‌ای، تحلیل داده‌ها نیز به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. تحلیل با کمک هفت فن یا الگوی آندره لفور<sup>۱</sup>، نظریه پرداز حوزه ترجمه که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، صورت گرفته است. همان گونه که از عنوان مقاله برمیآید، ما در این پژوهش در پی یافتن خوانش صوفیانه یا غیر صوفیانه هستیم و به دلیل حجم بالای این پژوهش، تعدادی از مهمترین غزلیات را که بیشتر به موضوع مورد بحث مرتبط بود، برای بررسی و تحلیل، گزینش کردیم. به این منظور سعی شد از کلیدواژه‌های عشق، مستی، معشوق، معبود و ... برای انتخاب غزلها بهره گرفته شود.

بنا به اقتضای پژوهش، ۱۵ عدد از غزلیات حافظ را از میان غزلیات ترجمه شده گرتروود بل در کتاب «غزلیاتی از دیوان حافظ» برگزیدیم تا به تحلیل و بررسی آنها، طبق الگوی آندره لفور بپردازیم.

در خصوص بررسی ترجمه‌های حافظ به زبان انگلیسی، تاکنون پژوهشهای بسیاری در قالب کتاب، مقاله و غیره، صورت گرفته است که میتوان به این موارد زیر اشاره کرد.

مورد اول، میتوان به دائرةالمعارف ایرانیکا<sup>۲</sup> نوشته پروین لؤلوی (۱۳۹۵) اشاره کرد که مصطفی حسینی آن را به زبان فارسی ترجمه نموده است. همچنین در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ذیل مدخل حافظ، آقای مجدالدین کیوانی (۱۳۹۰)، مقاله‌ای تحت عنوان «ترجمه‌های انگلیسی اشعار حافظ» به رشته تحریر درآورده‌اند که در آن به معرفی ۴۲ ترجمه انگلیسی از شعر حافظ پرداخته شده است. احمد کریمی حکاک نیز در مقاله‌ای با عنوان «زیر بار امانت حافظ» سه ترجمه را از گرتروود بل، الیزابت گری و رضا صابری بررسی و با یکدیگر مقایسه نموده است.

سالار منافی اناری، در مقاله‌ای با عنوان «افزایش، کاهش و تطابق در ترجمه‌های انگلیسی اشعار حافظ» چهار ترجمه را با یکدیگر تطبیق داده و دلیل افزایش یا کاهش واژه‌ها را در ترجمه یافته است. پروف سوز دیک دیویس (۱۳۹۱) پژوهشگر، مترجم و شاعر آمریکایی، در مقاله‌ای درباره ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ نوشته است و مصطفی حسینی و بهنام میرزا بابازاده فومشی آن را به فارسی ترجمه نموده‌اند.

اما در خصوص ترجمه‌های گرتروود بل از این اشعار، خاصه در ایران، پژوهشی مدون صورت نگرفته است. البته در خصوص نقد و تحلیل دیگر آثار بل، از جمله، سفرنامه‌های او، مقالاتی در ایران به چاپ رسیده است، که میتوان به حسینی (۱۴۰۱) و حیدری (۱۳۹۹) اشاره کرد.

۱ André Lefevre

۲ Translations English in Hafez

دکتر حسن جوادی (۱۳۹۶) در کتاب ارزشمند خود «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی» به بل و ترجمه او نیز پرداخته است. کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی در اصل رساله دکتری حسن جوادی است که در اوایل دهه ۱۹۶۰ در دانشگاه کمبریج با نظارت سه استاد ممتاز آ. ج. آربری، ولادیمیر مینورسکی<sup>۲</sup> و ریموند ویلیامز<sup>۳</sup> به زبان انگلیسی نوشته شده است. این کتاب نفوذ و تأثیر ادبیات پارسی در ادبیات انگلیسی را، از اواخر سده‌های میانه تا پایان قرن بیستم میلادی، بررسی و تحلیل می‌کند. در بخشی از کتاب که دکتر جوادی، به بررسی ترجمه‌های صورت گرفته از غزلیات حافظ می‌پردازد، به گرترود بل و ترجمه او از غزلیات حافظ نیز اشاره می‌کند؛ و معتقد است، خانم بل، تا کنون برجسته‌ترین مترجم حافظ به زبان انگلیسی بوده است و با وجود ارائه ترجمه‌ای آزاد، تلاش نموده تا به اصل اشعار و نگرش حافظ، پایبند بماند. در پژوهشهایی که در رابطه با گرترود بل و آثار او (سفرنامه، نامه‌ها و ترجمه) انجام شده است، بیشتر به نقش فرهنگی و سیاسی او پرداخته شده است. در حقیقت در بیشتر این آثار به او به منزله یک سیاح، سیاستمدار و دیپلمات نگریسته شده است. ما در این پژوهش بر آن شدیم تا از منظری نو به نقش او در مقام یک مترجم پرداخته و ترجمه‌های او از اشعار حافظ و نیز مقدمه و مؤخره آن را که به اعتقاد بسیاری از مستشرقین از جمله اوارد براون<sup>۴</sup>، بسیار موفق بوده است، نقد و بررسی نماییم.

### گرترود بل

بل قدرتمندترین زن زمان خود بود، یعنی از دوران ویکتوریا و به بعد. در دهه ۱۹۲۰ او پیشرفتی را در آموزش در برابر تعصبات جنسیتی زمان خود تسهیل کرد که الهام بخش او شد تا خود را یک زن خارق العاده ثابت کند (ابیل، ۱۳۵۶). او طی سفری که در سال ۱۸۹۲ میلادی، برابر با ۱۲۷۲ شمسی، در زمان ناصرالدین شاه به واسطه اقوامش به ایران داشت، رفته رفته شیفته ایران و فرهنگش شد و در تهران نزد شیخ حسن نامی، به آموختن زبان فارسی پرداخت و در حقیقت آشنایی او با حافظ نیز به واسطه همین آموزگار توانمند یعنی شیخ حسن، صورت گرفت. آثار بل را میتوان به سه بخش، نامه‌ها، سفرنامه و ترجمه اشعار حافظ تقسیم کرد (حیدری، ۱۳۸۷: ۴). تا سال ۱۸۹۷ تسلط او بر زبان فارسی به حدی رسیده بود که توانست ترجمه منظوم ارجمندش را تحت عنوان غزلیاتی از دیوان حافظ منتشر کند. ترجمه او آزاد است و به ترتیب و توالی ابیات توجه چندانی ندارد، از این رو در بیشتر موارد تشخیص معادل فارسی ابیات، کار دشواری است. (همان: ۴). بل تلاش نموده تا در روند ترجمه خود، بخشی از حس عرفانی حافظ، بخشی از شور و غم او و بخشی نیز از عالیترین تسلط هنری او در کلام را، بگنجاند. (جوادی، ۱۳۶۲: ۱۹۳)

ترجمه بل را عموماً بهترین ترجمه شعر حافظ به انگلیسی دانسته‌اند. به گفته براون: «ترجمه‌های او با وجود برگردان نسبتاً آزادشان، از ترجمه‌های دیگر هنرمندانه‌تر و به روحیه حافظ نزدیکتر و وفادارتر است.» آربری نیز که خود شماری از غزلیات حافظ را ترجمه کرده، این ترجمه را ستوده است: این کتاب {غزلیاتی از دیوان حافظ}

۱ University of Cambridge

۲ Vladimir Minorsky

۳ Raymond Williams

۴ Edward Granville Browne

اثری برجسته در کارنامه پژوهشی گرتروید بل و گواه استعداد شگفت ادبی اوست. ترجمه او، در میان حدوداً بیست ترجمه دیگر، همچنان بهترین ترجمه حافظ به انگلیسی است. (حسینی، ۱۴۰۱: ۲۶)

این کتاب که از سه بخش یعنی مقدمه، غزلیات و یادداشتها تشکیل شده، با وجود ایرادات موجود، نشان از تسلط و حاصل سالها مطالعه و تحقیق بل میباید. باید به خاطر داشته باشیم گرتروید بل زمانی دست به ترجمه این اشعار و نوشتن مقدمه خود از حافظ زد که منابع چندانی در دسترس نبود، بنابراین با تمام نقصهایی که ممکن است در کار او وجود داشته باشد، باید گفت که این ترجمه و مقدمه او در خور ستایش و توجه است. گرتروید بل خود در مقدمه بیان میکند که کلام حافظ برای خوانندگان غربی، طنین معنایی متفاوتی با خوانندگان شرقی دارد و اینکه اخلاقیات روزگار حافظ با نظام اخلاقی دوران ما تفاوت دارد و اینکه آداب و سلوک شرقی قرابت چندانی با غرب ندارد. ترجمه او را میتوان ترجمه‌ای آزاد تلقی نمود (گرتروید بل، ۱۳۶۳).

### مبانی نظری: الگوی ترجمه آندره لفور

آندره آلفون لفور (۱۹۴۵-۱۹۹۶) نظریه پرداز حوزه ترجمه است که در دانشگاه گنت<sup>۱</sup> بلژیک به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۷۲ در دانشگاه اسکس<sup>۲</sup>، دکترا گرفت؛ هنگامی که او به علت سرطان خون حاد درگذشت، استاد مطالعات آلمانی در دانشگاه تگزاس<sup>۳</sup> در آستین<sup>۴</sup> بود.

آثار و پژوهشهای او بیشتر در حوزه مطالعات ترجمه و ادبیات تطبیقی بوده است. لفور در کتاب «ترجمه، تاریخ، فرهنگ، کتاب مرجع ۵»، چنین گفت که خواننده هر اثر است که سرنوشت ترجمه را مشخص میکند. همچنین، این نظر برجسته اوست که هر گروه از مخاطبان، به ترجمه باب سلیقه خود نیاز دارند و این هنر مترجم است که به سلیقه مخاطبان خود احترام بگذارد؛ این در واقع همان نکته‌ای است که در ترجمه‌های کلین بارکس<sup>۶</sup> مشهود بوده و همین توجه به سلیقه مخاطبان است که کتاب او را به پرفروشترین کتاب شعر آمریکا تبدیل کرده است. یکی از الگوهای مهمی که به بررسی ترجمه شعر پرداخته است، الگوی هفت فن لفور است. آندره لفور در کتاب خود، تحت عنوان «ترجمه شعر: هفت راهبرد و یک طرح»<sup>۷</sup>، به معرفی الگوهایی برای ترجمه شعر میپردازد. آن هفت الگوی ترجمه، عبارتند از:

۱. ترجمه آوایی (Phonemic translation): ترجمه آوایی در بازسازی ریشه‌شناسی واژه‌های مرتبط به یکدیگر و بازسازی نام آواها کارآمد است، اما معنی را از بین میبرد.
۲. ترجمه تحت‌اللفظی (Literal translation): ترجمه تحت‌اللفظی محتوای معنایی را ممکن است برساند، اما به لطف توضیحات اضافی و فداکردن ارزش ادبی، سامان مییابد.
۳. ترجمه موزون (Metrical translation): ترجمه وزنی وزن را نگه میدارد، اما معنی و نحو را دگرگون میکند.

<sup>۱</sup> Ghent University of

<sup>۲</sup> University of Essex

<sup>۳</sup> University of Texas

<sup>۴</sup> Austin

<sup>۵</sup> Book Source A: Culture, and History, Translation

<sup>۶</sup> Coleman Barks

<sup>۷</sup> Translating Poetry: Seven Strategies and a Blueprint.

۴. ترجمه شعر به نثر (Prose into poetry)، ترجمه نثری معنی را دگرگون نمیکند، اما طنین شاعرانه را از آن میستانند.
۵. ترجمه مقفا (Rhymed translation)، ترجمه قافیه‌دار آن چنان زیر فشار محدودیتها قرار میگیرد که واژه‌ها معنای دیگری به خود میگیرند و حاصل کار، متنی خسته‌کننده، بیش از حد محتاط و ملانطقی خواهد بود.
۶. ترجمه به شعر سپید (Blank verse translation)، شعر سپید به دقت بیشتر و درجه بالاتری از ادبی بودن دست مییابد، اما ناهنجاریهای وزنی را بر متن تحمیل میکند، که متن ترجمه را با اطناب و دشواری همراه میسازد.
۷. ترجمه تفسیری (Interpretation)، تعبیر یا تفسیر، شامل روایت و تقلید، موضوع را تقلید میکند تا متن را برای دریافت آسانتر کند، اما ممکن است این کار به قیمت لطمه خوردن به ساختار و بافت متن تمام شود. در این پژوهش، خوانش بل از حافظ با استفاده از این نظریه، مورد بررسی قرار میگیرد.

### نمونه اشعار و تحلیل ترجمه‌های گرتروید بل بر اساس الگوی ترجمه آندره لفور

ترجمه به عنوان فرایندی پیچیده، نیاز به شناخت همه جانبه زبان دارد و شناخت متن از رهگذر آن برای رسیدن به معنای ظاهری و روبنایی آن شرط لازم است و نه کافی. اگر شاعر یا نویسنده‌ای عواطف درونی و مقصد اصلی خود را با زبان عرفان و دروای واژه‌ها بیان کند، رسیدن به جان مایه کلام برای مترجم کاری دشوار و چه بسا نشدنی است. از این رو، در مسیر خود با چالشهایی از جمله ناآشنایی با تعبیر عرفانی و ثقیل بودن درک آنها مواجه میشود که عبور از آنها و رسیدن به مقصود سخن غیرممکن میشود و در نتیجه، معانی در انتقال به زبان مقصد دچار ریزش میشود و در فرایند ترجمه، بار معنایی و شکلی کلام اولیه از دست میرود؛ بنابراین، به نظر میرسد بازآفرینی اندیشه‌های عرفانی برای مترجمی که به دنبال ترجمه شعری برآمده که بسامد تعبیر عارفانه در آن چشمگیر است، کاری بس دشوار است. دیوان غزلیات حافظ شیرازی از جمله آثاری است که کاربرد مفاهیم و واژه‌های عرفانی در آن بسامد بالایی دارد. (سرپرست، لنگرودی و سیفی، ۱۳۹۷: ۳)

از آن روی که بررسی تمام ترجمه‌های گرتروید بل، در ابعاد این پژوهش نمیگنجد، بنا به اقتضای پژوهش، ۱۵ عدد از ترجمه‌های او را از میان غزلیات ترجمه‌شده گرتروید بل که خوانش صوفیانه و غیر صوفیانه او را از شعر حافظ بیشتر در برداشت و با اهداف این پژوهش هم‌سوتر بود، از کتاب «غزلیاتی از دیوان حافظ» برگزیدیم تا همانطور که پیشتر اشاره شد، ابتدا به تحلیل و بررسی آنها و در نهایت به بررسی خوانش گرتروید بل از غزلیات حافظ بپردازیم و در نهایت پاسخ پرسشهای مطرح شده را ارائه دهیم.

در بخش تحلیل به این ترتیب به خوانش غزلیات حافظ در ترجمه بل پرداخته شده است:

با کمک الگوی ترجمه آندره لفور، ابتدا به بررسی ترجمه‌ها و نوع آنها میپردازیم.

سپس، با بهره بردن از نظر و عقیده شخصی گرتروید بل که در انتهای غزلیات و در قسمت مؤخره که توضیحات وی بر غزلیات حافظ است، به صوفیانه یا غیر صوفیانه بودن خوانش او از غزلیات حافظ پرداخته خواهد شد.

همچنین برای تشخیص خوانش او، از ضمائر مؤنث و مذکر مورد استفاده در ترجمه نیز بهره برده‌ایم.

البته در این میان، از کتاب حافظ‌نامه و نظر بهاءالدین خرمشاهی نیز، در شرح صوفیانه یا غیر صوفیانه بودن غزلیات بهره جستیم تا تفاوت کار بل و خوانش او را بهتر دریابیم.

ضمناً شماره غزلیات، مطابق با چاپ گرتروید بل میباشد نه دیوان حافظ.



## خوانش صوفیانه

### غزل شماره ۲

صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت/ ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت (خانلری، ۱۳۵۹: ۱۷۸)  
The bird of gardens sang unto the rose,  
New blown in the clear dawn:  
"Bow down thy head"  
As fair as thou within this garden close,  
Many have bloomed and died." She laughed and said  
,"That I am born to fade grieves not my heart  
But never was it a true lover's part;  
To vex with bitter words his love's repose. (Bell, 1897: 68)

الف) گرترو بل، در خصوص این غزل در بخش توضیحات چنین میگوید: «این شعر توصیف جست‌وجوی شاعر برای عشق است. شاعر در تمثیلی نشان میدهد که چطور بیهوده در جستجوی عشقی است که تصویر عشق زمینی، یعنی بلبل است. سرانجام درمییابد که عشق چیزی نیست که بر لب مردان جاری شود و از ساقی میخواهد سخنان بیهوده درباره علم الهی را فرونهد» (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۵۸) در حقیقت بل با آوردن ترجمه‌ای درخور برای این مصراع، مهری بر خوانش صوفیانه خویش زده و این عشق را عشقی الهی و صوفیانه تلقی میکند.

سخن عشق نه آن است که آید به زبان. Not on the lips of Men love's secret lies. ترجمه این غزل، طبق توضیح خود بل و ترجمه‌اش، صوفیانه است. خرمشاهی در کتاب حافظ‌نامه، برداشتی غیر صوفیانه از این غزل داشته است؛ در خصوص گلستان ارم، از قول علامه قزوینی چنین ذکر میکند که گویا این باغ متعلق به شیخ ابواسحاق بوده است و در ادامه چنین بیان میکند: «طبق سخن علامه قزوینی و با توجه به بیت قبلی، میتوان گفت حافظ به گلستان ارم، یعنی سرای ممدوح محبوبش یعنی شیخ ابواسحاق خطاب میکند و مسند جم یعنی شاه‌نشین کاخ ارم». (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۴۰۰)

حمیدیان در کتاب شرح شوق برداشتی غیر صوفیانه از این غزل دارد، او در ذیل شرح این غزل بیان میکند: عرفا در عرصه عظیم شعر کاری کرده‌اند که فاصله عظیم میان دو سوی عشق به گونه‌ای برداشته شود که عاشق گاهی هرچه میخواهد دل تنگش بگوید و گستاخ (به هر دو معنی جسور و خودمانی) با یار روبروی شود، چنان که حتی به او پرخاش کند و او برنیاشد و در نهایت مثل همین شعر خواجه، گلایه‌ای مهربانانه از دل‌داده بکند. (حمیدیان، ۱۳۹۲: ۱۵۳۹)

ب) در بررسی ترجمه این غزل، طبق الگوی آندره لفور، میتوان اظهار کرد که موارد ۵ و ۷ به کار برده شده‌اند. بل تلاش نموده تا با آوردن ترجمه‌ای تفسیری، معنای شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و با آوردن توضیحات و واژه‌های اضافی در بعضی از موارد، ترجمه را قابل فهم نماید. برای مثال در ترجمه بیت نخست و "صبحدم" و "گل نوحاسته" چنین آورده است:

The Rose, new blown in the clear dawn ...

و همچنین در ترجمه بیت ششم با آوردن ترجمه‌ای تفسیری، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش قابل فهم کند:

گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو / گفت افسوس که آن دولت بیدار بخت (همان: ۱۷۸)

Last night when Irem's magic garden slept,  
Stirring the hyacinth's purple tresses curled,  
The wind of morning through the alleys stept.  
"Where is thy cup, the mirror of the world? (Bell: 68)

ج) در ترجمه این غزل، تعداد ابیات افزایش یافته و گویی مترجم در تلاش برای توضیح و تفهیم بهتر موضوع بوده است. برخی از ابیات در ترجمه جابه‌جا شده‌اند. برای مثال، ترجمه ابیات ۳ و ۴ جابه‌جا آورده شده است. اما میتوان گفت، بل ترجمه‌ای وفادارانه و تا حد زیادی نزدیک به غزل حافظ آورده است، برای مثال بیت هفتم که پیشتر نیز در قسمت ب ذکر شد، ترجمه‌ای زیبا و قابل فهم برای مخاطبان انگلیسی زبان و در عین حال وفادارانه آورده است:

سخن عشق نه آن است که آید به زبان / ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت (همان: ۱۷۸)

Not on the lips of men Love's secret lies,  
Remote and unrevealed his dwelling-place.  
Oh Saki, come! the idle laughter dies  
When thou the feast with heavenly wine dost grace. (Bell:68)

غزل شماره ۳

بل در شرح ابیات ابتدایی این غزل به تفصیل سخن میگوید و داستان و چرایی فرستادن ههد را به سوی ملکه سبا شرح میدهد.

ای ههد صبا به سبا میفرستمت / بنگر که از کجا به کجا میفرستمت (خانلری، ۱۳۵۹: ۱۹۸)

Wind from the east, oh Lapwing of the day,  
I send thee to my Lady, though the way... (Bell, 1897: 69)

الف) بندهای ۵ و ۶ - توضیح مقبول این ابیات این است که مراد حافظ از آینه دل، خود اوست که آن را برای معشوقه‌اش میفرستد تا شاید تصویر خود را در آن ببیند؛ اما برای این ابیات و در واقع کل شعر، تفسیری عارفانه در نظر گرفته شده است. ندای آسمانی در گوش او میگوید که در تصوف به دنبال آسایش باشد و به او امر میکند به آینه بنگرد، زیرا در آن خداوند را خواهد دید که به عبارت دیگر، بیانگر آن است که خدا و انسان یکی است. شهرت شاعر جواز ورود او به حلقه‌های صوفیانه بوده است و به او اجازه میدهد به سوی آنان بشتابد، زیرا آنان آنچه را که در جستجوی آن است بدو خواهند بخشید. (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۶۱)

Give me the cup! A voice rings in mine ears  
Crying: "Bear patiently the bitter years  
For all thine ills, I send thee heavenly grace.  
God the Creator mirrored in thy face  
Thine eyes shall see, God's image in the glass  
I send to thee.  
Hafiz, thy praise alone my comrades sing;  
Hasten to us, thou that art sorrowing!  
A robe of honor and a harnessed steed  
I send to thee. (Bell, 1897: 70)".

همان‌طور که در بررسی و توضیح این غزل متوجه شدیم، بل در ترجمه این غزل، خوانشی صوفیانه داشته است. (ب) موارد ۵ و ۷ الگوی آندره لفور، در ترجمه این غزل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با آوردن ترجمه‌ای تف‌سیری و با آوردن توضیحات و واژه‌های اضافی در بعضی از موارد، بل تلاش نموده تا معنای شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید. برای مثال در بیت ۶ برای ترجمه "دعا و ثنا" عبارت طولانی‌تری آورده تا خوانندگان انگلیسی زبان با مفهوم غزل حافظ عبارت بهتری برقرار نموده و این مفهوم را درک نمایند:

ای غایب از نظر که شدی همنشین دل / میگویمت دعا و ثنا میفرستمت (همان: ۱۹۸)

Unto mine eyes a stranger, thou that art  
A comrade ever-present to my heart,  
What whispered prayers and what full meed of praise  
I send to thee.

(ج) یکی از مواردی که گرتروید بل در مقدمه خود به آن اشاره نموده است، ضمیر شاخصه نمای جنسی است که متأسفانه در زبان فارسی چنین چیزی وجود ندارد و این موضوع، درک شعر را برای ناآشنایان با زبان فارسی بسیار دشوار میکند؛ همچنین ابهام و ابهامی که در شعر حافظ وجود دارد، خواننده ناآشنا را مبہوت میسازد و او چاره‌ای ندارد جز اینکه از خیر معنا بگذرد و به التذاد از آهنگ و موسیقی کلام بسنده کند. (حسینی، ۱۴۰۱: ۲۲)

برای مثال در ترجمه بیت هفتم، بل تلاش نموده تا مفهوم اصلی موجود را در غزل حافظ به خوانندگان انگلیسی‌زبان خود القا کند و در این راه تلاش نموده و همان‌طور که پیشتر اشاره شد از ترجمه تف‌سیری بهره برده است. برای مثال در بیت ۶ که با تف‌سیری این بیت سعی در ارائه ترجمه‌ای قابل درک برای مخاطبان خود دارد.

در روی خود تفرج صنع خدای کن / کآیینۀ خدای نما میفرستمت (همان: ۱۹۸)

God the Creator mirrored in thy face  
Thine eyes shall see, God's image in the glass  
I send to thee..

در برخی مواردی نیز، شاهد جابه‌جایی ابیات در ترجمه هستیم، برای مثال در این غزل، ترجمه ابیات ۵ و ۶ جابه‌جا شده و ابتدا ترجمه بیت ۶ و سپس بیت ۵ آمده است.

غزل شماره ۱۹

چه مستی ست ندانم که رو به ما آورد / که بود ساقی و این باده از کجا آورد

تو نیز باده به چنگ آر و راه صحرا گیر / که مرغ نغمه‌سرا ساز خوشنوا آورد (خانلری، ۱۳۵۹: ۲۹۸)

WHAT drunkenness is this that brings me hope  
Who was the Cup-bearer, and whence the wine?  
That minstrel singing with full voice divine,  
What lay was his ? for 'mid the woven rope  
Of song, he brought word from my Friend to me  
Set to his melody. (Bell, 1897: 89)

الف) این غزل را میتوان حسب حالی دانست که در کنار غزلهای عارفانه و رندانه حافظ قرار میگیرد و در بیت اول آن، پر سشهایی مطرح میشود که بیتهای دوم تا هفتم در واقع پاسخ همان پر سشهاست. در مصراع دوم بیت هشتم، در خصوص واژه "درویش یک قبا" بل چنین بیان میکند:

« محتاج به گفتن نیست که معنی اول "درویش" فقیر است. به گمانم معنی دوم آن مهم است. در معنای عرفانی آن، این غزل نشان میدهد که حافظ چگونه در باده صوفیانه، نوای مطرب یا پیام الهی که برای او کلامی از خداوند آورد، به آرامش دست یافت؛ و وقتی سرانجام به اجبار قبای درویشی از سر به درآورد، آسمان از سر مهربانی ملجا و مامنی در تعالیم صوفیانه به او نشان داد. (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۷۱)

با توجه به مواردی که ذکر شد و نیز نظر خود بل در مخره کتابش و همچنین عدم وجود ضمیر شاخص‌نما، میتوان تفسیر بل از این غزل را صوفیانه قلمداد نمود.

ب) در ترجمه این غزل، از الگوهای شماره ۵ و ۷ استفاده شده است.

ج) بل در ترجمه این غزل از گرترو بل، شاهد ترجمه‌ای بسیار نزدیک به اصل اشعار هستیم. بل در این غزل، با ارائه ترجمه‌ای وفادار، فهم کلام حافظ را برای مخاطبانش بسیار ساده نموده است. برای مثال، در بیت ششم و نیز مصراع نخست بیت هشتم، شاهد این موضوع هستیم:

علاج ضعف دل ما کرشمة ساقی ست / برآر سر که طیب آمد و دوا آمد (خانلری، ۱۳۵۹: ۲۹۸)

Saki, thy kiss shall still my bitter cry! Lift up your grief-bowed heads, all ye that weep,

واژه تنگ چشم که برابر دقیق و شیوای واژه عربی حرص است، دراصل فارسی آن بازی معنایی است بین خصایص جسمی و اخلاقی تاتارها. (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۷۰)

غزل شماره ۹

ساقی به نور باده برافروز جام ما / مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم / ای بی‌خبر از لذت شرب مدام ما (خانلری، ۱۳۵۹: ۳۸)

Oh Cupbearer, set my glass afire

With the light of wine! Oh minstrel, sing

The world fulfilled my heart's desire

Reflected within the goblet's ring

I see the glow of my Love's red cheek.... (Bell, 1897: 76)

الف) گرترو بل در مخره کتاب خود در خصوص این غزل و خوانش آن چنین بیان میکند: تفسیر عرفانی چند بیت اول چنین است: همان‌طور که باده در جام، به مانند عکس گونه سرخ، میدرخشد، در ساغر دلم، عکس خدا، معشوق حقیقی، را دیده‌ام. (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۶۶) در این ترجمه، ابیاتی که مربوط به معشوق و وصف اوست، از ضمیر مذکر استفاده شده است و بل در توضیح این موضوع چنین گفته است: این شعر خطاب به وزیر سلطان اویس بغدادی، حاجی قوام الدین است که در شیراز برای حافظ مدرسه‌ای بنا کرد. شاعر باید با همان الفاظ اغراق آمیزی با ممدوح خود سخن بگوید که عاشقی با معشوقش. (همان: ۱۶۶) همان‌طور که مشاهده میشود و طبق گفته وی، خوانش بل از این غزل خوانشی صوفیانه است.

ب) در ترجمه این غزل، از الگوهای شماره ۵ و ۷ استفاده شده است. بل با ارائه ترجمه‌ای تفسیری و آوردن توضیحات و واژه‌های اضافی در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و

ترجمه را قابل فهم نماید. برای مثال برای ترجمه دو بیت نخست توضیحاتی افزوده است، مصراع نخست بیت دوم شاهد این موضوع هستیم:

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم (همان: ۳۸)

Reflected within the

goblet's ring

I see the glow of my Love's red cheek. (Bell: 76)

ج) بل تلاش نموده تا ترجمه‌ای نزدیک به اصل غزل حافظ ارائه داده و مخاطبانش را با اندیشه‌ی خواجه شیراز آشنا نماید. در ترجمه این غزل نیز، شاهد جابه‌جایی برخی ابیات در ترجمه هستیم، برای مثال بیت ۴ پیش از بیت ۳ ترجمه شده است:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان / کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما (خانلری، ۱۳۶۲: ۳۸)

Let not the blandishments be checked

That slender beauties lavish on me,

Until in the grace of the cypress decked,

My Love shall come like a ruddy pine-tree.

He cannot perish whose heart doth hold

The life love breathes though my days are told,

In the Book of the World lives my constancy. (Bell: 76)

غزل شماره ۸

شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست / صلاهی سرخوشی ای صوفیان باده‌پرست

اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود / ببین که جام زجاجی چه طرفه‌اش بشکست (خانلری، ۱۳۵۹: ۵۶)

THE rose has flushed red, the bud has burst,

And drunk with joy is the nightingale

Hail, Sufis! lovers of wine, all hail!

For wine is proclaimed to a world athirst.

Like a rock your repentance seemed to you;

Behold the marvel! Of what avail

Was your rock, for a goblet has cleft it in two! (Bell, 1897: 75)

الف) در ترجمه این غزل کلیدواژه‌ای مبنی بر عشق زمین و برداشت غیر صوفیانه، دیده نمی‌شود و باید گفت بل این غزل را نیز با خوانشی صوفیانه ترجمه و تلاش نموده است تا به مفهوم اصلی غزل و تفکر حافظ، پایبند بماند. بیت دوم این غزل، تفسیر و ترجمه‌ای عرفانی داشته و توضیح می‌دهد که خدای محتاج محبت ما بندگان نیست و این نیاز ماست که ما را به سوی پروردگار میبرد. در ترجمه بیت سوم، بل، جناس را به زیبایی بازتولید میکند، در این ترجمه تلاش شده تا زبان رسای حافظ به دقت انتخاب و ترجمه شود. (جوادی، ۱۳۶۲: ۱۹۴)

ب) در ترجمه این غزل، از الگوهای شماره ۵ و ۷ استفاده شده است. گرتروید بل ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید.

ج) بل تلاش نموده تا در ترجمه خویش، به اندیشه و سخن حافظ وفادار بماند، برای مثال همان که پیشتر آورده شد، در ترجمه بیت نخست کاملاً شاهد این موضوع هستیم که ترجمه‌ای بسیار زیبا و قابل فهم ارائه نموده است، همچنین بیت ۸ نیز ترجمه‌ای کاملاً وفادارانه دارد:

به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی / هوا گرفت زمانی و ولی به خاک نشست (خانلری، ۱۳۶۲: ۵۶)

Shoot not thy feathered arrow astray!  
A bow-shot's length through the air it has sped,  
And then .. dropped down in the dusty way. (Bell: 75)

ترتیب ابیات این ترجمه درست بوده و بل به مفهوم شعر و اندیشه حافظ وفادار بوده است.

## غزل شماره ۲۱

دمی با غم به سر بردن جهان یک سر نمیازد/ به می بفروش دلق ما کز این بهتر نمیازد

به کوی می فروشانش به جامی برنمیگیرند/ زهی سجاده تقوا که یک ساغر نمیازد (خانلری، ۱۳۵۹: ۳۱۰)

NOT all the sum of earthly happiness  
Is worth the bowed head of a moment's pain,  
And if I sell for wine my dervish dress,  
Worth more than what I sell is what I gain! (Bell, 1897: 91)

الف) این غزل، حسب حالی است که در کنار غزلهای عاشقانه حافظ قرار میگیرد. مضمون بیت چهارم این غزل، بعضی دوستداران حافظ را به حدس و گمان انداخته که این غزل، ربطی به پایان زندگی شاه شیخ ابواسحاق انجو یا شاه محمود دکنی دارد. اما هیچ روایت معتبری این نظر را تأیید نمیکند و غزل هم تاریخ صدور ندارد. (استعلامی، ۱۳۸۲: ۴۳۵)

بل در توضیحات این غزل که در موخره کتاب خود آورده است، بیان میکند که سعی نموده تا تفسیری عارفانه از این غزل ارائه دهد اما در ادامه سخن خود را نقض نموده و بیان میکند که این غزل را حافظ برای عذری در وفا نکردن به عهد، سروده است. داستانی درباره این غزل هست که آن را به سندی تاریخی بدل میکند تا سندی دینی. (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۷۲)

ب) در بررسی ترجمه این غزل، بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گرتروید بل ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید.

## خوانش غیر صوفیانه

### غزل شماره ۱

الا یا ایها الساقی ادر کأسا و ناو لها/ که عشق آسان نمود اول و لی افتاد مشکها

به بوی نافه‌ای کآخر صبا زان طره بگشاید / ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها (خانلری، ۱۳۵۹: ۱۸)

ARISE, oh Cup-bearer, rise! and bring

To lips that are thirsting the bowl they praise  
 For it seemed that love was an easy thing  
 But my feet have fallen on difficult ways  
 I have prayed the wind o'er my heart to fling  
 The fragrance of musk in her hair that sleeps... (Bell, 1897: 67)

الف) در ترجمه این غزل، گرتروود بل از ضمیر مؤنث (her) استفاده نموده است و میتوان گفت، برداشت او از عشق در این غزل، صوفیانه نیست. در حقیقت عدم وجود ضمیر شاخصه نما در زبان فارسی، بالعکس زبان انگلیسی، این فضا را به مترجم میدهد که نظر خود و برداشتش را در ترجمه اعمال نموده و البته در عین حال به صدای شاعر نیز، وفادار بماند. البته ذکر این نکته بسیار حائز اهمیت است که گرتروود بل، در دورانی بسیار محافظه‌کار عصر ویکتوریا دست به ترجمه این اشعار زد و میبایست در ترجمه خود، همه جوانب را میسنجید. بنابراین وقتی که خود بل، در ترجمه بر ضمیر شاخصه نما (خواه مؤنث و خواه مذکر) تأکید نموده است، این وظیفه ماست تا به عنوان تحلیل‌گر این ترجمه‌ها، به این نکته اشاره نماییم.

یکی از اصلی‌ترین مشکلاتی که مترجم با آن مواجه است در قسمتهایی از متن نهفته است که در ذهن مخاطب زبان مبدأ اهمیت و معنای فرهنگی آشکاری دارد، در حالی که در جامعه زبان مقصد اصولاً فاقد چنین تأثیری است یا تأثیر بسیار ناچیزی دارد. نمونه آشکار این مشکل برای مترجمان تقریباً همه متون فارسی بعد از قرن شانزدهم میلادی، فرهنگ شیعی است که آشنایی با اصول آن برای بیشتر ادبای ایرانی پس از قرن پانزدهم میلادی امری بدیهی بوده، در حالی که چنین دانشی در جوامع زبانی غرب کاملاً مفقود است. در مورد شعر فارسی، این قبیل مشکلات فرهنگی دشواریهای پیش روی مترجم را دوچندان میسازد. واقعیت این است که پس از قرن سیزدهم میلادی تقریباً همه اشعار فارسی یا آشکارا عرفانی بوده‌اند یا نشانه‌های تصوف در آنها مشهود بوده است، در حالی که در اشعاری که به زبانهای مطرح غربی سروده میشود، عرفان چنین جایگاهی ندارد. خواننده‌ای که در چنین «شعر خوب مذهبی» معتقد بود که فرهنگی پرورش یافته است، انتظار ندارد که در کتاب شعر با عرفان یا عقاید مذهبی مواجه شود. چنین خواننده‌ای، برخلاف همتای ایرانی‌اش، به عرفان به عنوان موضوع بدیهی شعر نمینگرد. به نظر او، زبان سرسپرده به مذهب یا عرفان ذاتاً شاعرانه نیست، اما دره متنی‌دگی عرفان و شعر برای خواننده ایرانی از بدیهیات است.

یکی از مشکلات فرعی این مشکل عرفانی مجموعه‌ای از مفاهیم است که در شعر فارسی به واسطه استعاره‌هایی چون شراب، مستی، و تقابل رند و زاهد بیان میشود. در سنت ادبی غرب، تأثیر و نفوذ هیچ‌یک از این مفاهیم با تأثیر و نفوذ آنها در شعر فارسی قابل مقایسه نیست. هرگز به ذهن شاعر غربی خطور نمیکند که مستی ممنوع عرفان را با اشاره به مستی ممنوع شراب ابراز کند، به این دلیل ساده که مستی شراب هرگز در غرب (جز مدت کوتاهی در امریکا) ممنوع نبوده است.

مشکل فرهنگی دیگری که بحث درباره آن دشوار مینماید، رواج تفکر شاهدبازی در بسیاری از اشعار فارسی سده‌های میانه است. در برخی موارد، شاهدبازی بی‌نفسه و بدون هدفی خاص در شعر وجود دارد، ولی اغلب برای تبیین مضامین عرفانی از آن استفاده میشود. این شاهدبازی که اغلب به عرفان اشاره میکند، مانند عرفان هیچ‌گاه موضوع اصلی شعر غربی نبوده است. اگرچه شاهدبازی در بسیاری از اشعار فارسی سده‌های میانه به وضوح جدی گرفته نمیشود، ولی برای مترجمی که در زبان مقصد برای بیان چنین مضمونی هیچ مجموع‌های از قراردادهای برابر نهاد ندارد، میتواند مشکل عمده‌ای باشد. در چنین موردی، قواعد دستوری زبان فارسی و فقدان

ضمایر برای سوم شخص مفرد «او» مجزا برای دو جنس متفاوت (استفاده از ضمیر یکسان مذکر و مؤنث) به یاری مترجم می‌آید. ولی استفاده مترجم از این قابلیت زبان فارسی، همان‌گونه که خود نیز میدانند، اغلب به سرهم بندی و تصفیة اخلاقی متنها میانجامد. (حسینی، فومشی، ۱۳۹۱: ۵)

برعکس این خوانش را میتوان در کتاب حافظ‌نامه خرمشاهی مشاهده کرد، در جایی که او خوانشی صوفیانه از این غزل به دست داده، برای مثال در شرح بیت: حضور گر همیخواهی از و غافل مشو حافظ، بیان میکند که حضور و غیبت دو اصطلاح عرفانی هستند و اینکه غیبت در لغت به معنی ناپدید شدن و نبودن در جایی است و حضور عکس آن است و در اصطلاح صوفیان مراد از غیبت، غایب بودن دل از ما سوی الله است و حضور (که بعضی منابع آن را شهود مینامند) حضور در پیشگاه حق است با غیبت از خلق. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۹۸)

ب) در بررسی ترجمه این غزل، بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. در ترجمه بیت ۴ شاهد هستیم که بل در ترجمه و برای القای مفهوم اصلی شعر حافظ به مخاطبانش سعی در تفسیر این بیت و واژه‌های کلیدی چون: می، سجاده رنگین کردن، پیرمغان و سالک دارد:

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید/ که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها (خانلری، ۱۳۶۲: ۱۸)

Hear the Tavern-keeper who counsels you:

"With wine, with red wine your prayer carpet dye! "

There was never a traveller like him but knew

The ways of the road and the hostelry. (Bell: 67)

ج) بل تلاش نموده تا در ترجمه خویش، به اندیشه و سخن حافظ وفادار بماند، برای مثال همان‌طور که در ترجمه ابیات اول و دوم این غزل که پیشتر آورده شد، شاهد این موضوع هستیم. ترتیب برخی ابیات در ترجمه مطابق با غزل حافظ نیست برای مثال بیت ۴ ابتدا و سپس بیت ۳ آمده است:

مرا در منزل جانان چه جای عیش چون هر دم/ جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها

به می سجاده رنگین کن گرت پیرمغان گوید/ که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها (خانلری، ۱۳۶۲: ۱۸)

Hear the Tavern-keeper who counsels you:

"With wine, with red wine your prayer carpet dye! "

There was never a traveller like him but knew

The ways of the road and the hostelry.

Where shall I rest, when the still night through,

Beyond thy gateway, oh Heart of my heart,

The bells of the camels lament and cry:

"Bind up thy burden again and depart! (Bell: 67)

### غزل شماره ۱۸

غلام همت مست تو تاج دارانند/ خراب باده لعل تو هوشیارانند

تو را صبا و مرا آبدیده شد غماز/ وگر نه عاشق و معشوق رازدارانند (خانلری، ۱۳۵۹: ۳۹۶)

SLAVES of thy shining eyes are even those

That diadems of might and empire bear;

Drunk with the wine that from thy red lip flows,

Are they that e'en the grape's delight forswear.



Drift, like the wind across a violet bed,  
Before thy many lovers, weeping low,  
And clad like violets in blue robes of woe,  
Who feel thy wind-blown hair and bow the head. (Bell, 1897: 88)

همان‌طور که از ترجمه برمیآید و نیز آن‌گونه که بل در توضیحات این غزل و در شرح بند نخست افزوده: «رنگ آبی در پارسی نماد سوگواری است. حافظ عشاق گریان را که ردای اندوه بر تن نهاده‌اند، با بستری از گل‌های بنفش میسجد و همان‌طور که بنفشه‌ها در رهگذر باد سر فرود می‌آورند، آنان نیز وقتی که معشوقشان با گیسوان شکن اندر شکن میگذرد سر فرود می‌آورند.» و نیز در انتها بیان میکند: «حافظ در روزگار جوانی، چنان که افتد و دانی، دل در گرو ماهرویی به نام شاخه‌نبات داشت و برای آن که به وصال او دست یابد بر آن شد تا خضر را ملاقات کند و از او هنر شاعری بیاموزد.» (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۷۰)

همچنین در ترجمه بیت ۲، شاهد استفاده از واژه‌های "Lover" و "beloved" هستیم:  
تو را صبا و مرا آب‌دیده شد غماز / و گر نه عاشق و معشوق رازدارانند (خانلری، ۱۳۶۲: ۳۹۶)

Thy messenger the breath of dawn, and mine  
A stream of tears, since lover and beloved  
Keep not their secret; through my verses shine (Bell: 88)

طبق گفته بل و نیز ترجمه این غزل و مواردی که عنوان شد، خوانش او غیر صوفیانه بوده است. (ب) در بررسی ترجمه این غزل، بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گرتروود بل ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌های بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید. برای مثال در ترجمه بیت نهم که بسیار طولانی و همراه با توضیحات بیشتر جهت تفسیر هرچه بهتر موضوع است، شاهد ترجمه تفسیری یا تعبیر هستیم:

خلاص حافظ از آن زلف تابدار مباد / که بستگان کمند تو رستگارانند (خانلری، ۱۳۶۲: ۳۹۶)

Ah, loose me not! ah, set not Hafiz free  
From out the bondage of thy gleaming hair!  
Safe only those, safe, and at liberty,  
That fast enchained in thy linked ringlets are.  
But from the image of his dusty cheek  
Learn this from Hafiz: proudest heads shall bend,  
And dwellers on the threshold of a friend  
Be crownèd with the dust that crowns the meek. (Bell:88)

(ج) گرتروود بل تلاش نموده تا در ترجمه خویش، به اندیشه و سخن حافظ وفادار بماند، برای مثال در ترجمه بیت ۴ شاهد ترجمه‌ای وفادارانه و نزدیک به اندیشه حافظ هستیم:

گذار کن چو صبا بر بنفشه‌زار و بین / که از تطاول زلفت چه بی‌قرارانند (خانلری، ۱۳۶۲: ۳۹۶)

Drift, like the wind across a violet bed,  
Before thy many lovers, weeping low,  
And clad like violets in blue robes of woe,  
Who feel thy wind-blown hair and bow the head. (Bell:88)

در ترجمه این غزل، بسیاری از ابیات جابه‌جا شده‌اند، برای مثال: پس از بیت نخست، ترجمه ۴ آورده شده و سپس به ترتیب بیت ۲، ۶، ۳، ۵، ۸، ۷ و در آخر بیت نهم که بسیار مفصل و با توضیحات بیشتر آورده شده است.

### غزل شماره ۳۵

روز وصل دوستداران یاد باد / یاد باد آن روزگاران یاد باد

کامم از تلخی غم چون زهر گشت / بانگ نو ش شادخواران یاد باد (خانلری، ۱۳۵۹: ۲۱۴)

FORGET not when dear friend to friend returned,

Forget not days gone by, forget them not!

My mouth has tasted bitterness, and learned

To drink the envenomed cup of mortal lot ; (Bell, 1897: 109)

الف) این غزل حسب حالی از روزهایی است که حافظ، ظاهراً پس از سفری به اصفهان، یاد روزهای سفر را همراه با غربتی که در زادگاه خود احساس میکند بر زبان می‌آورد. زبان و تعبیرهای حافظ در این غزل، حکایت سالیهای کمال حافظ ندارد و باید از سروده های روزگار جوانی او باشد. (استعلامی، ۱۳۸۲: ۳۲۲) همان طور که از این غزل و ترجمه اش بر می‌آید و نیز همان گونه که اشاره شد، خوانش بل نیز از این غزل غیر صوفیانه بوده و تلاشی در جهت تغییر اندیشه حافظ ندارد و در ترجمه خود به اصل شعر و تفکر شاعر، وفادار است.

ب) در خصوص این غزل و بررسی ترجمه آن، باید خاطر نشان کرد که بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گر تردید بل با ارائه ترجمه‌ای تفسیری و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبان ساده تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید که با توجه به طولانی بودن ترجمه این غزل نسبت به اصل شعر، در ترجمه تمام ابیات این غزل شاهد این تفسیر هستیم.

ج) مصراع دوم این بیت به مثل سایر تبدیل شده است «یاد باد آن روزگاران، یاد باد!». ایرانیان این مصراع را در صدر نامه‌هایی مینویسند که مخاطب آن یار غایب است، حتی وقتی که او اصلاً نگران نیست که روزگاران رفته را نباید از یاد برد؛ و کسانی که سادگی این مصراع آنها را بیش از نوشته‌های احساسی محزون میکند به کرات از آن استفاده میکنند.

«به گمانم بر اساس شواهد درونی، حافظ این شعر را برای دوستان اصفهانی‌اش فرستاد، زیرا به احتمال قوی به شیوه نامه تشکرآمیز شرقی نوشته شده است. به علاوه، علی‌رغم این توضیح عاقلانه، نباید از یاد برد که زنده رود به معنای رود زندگی است. حتی تصور آن هم لرزه بر اندام آدمی می‌افکند که چه حالت معنوی و عرفانی از این رودخانه‌ی کوچک معصوم، سبب هدایت ما خواهد شد». (حسینی، ۱۴۰۰: ۱۸۲)

طبق الگوی آندره لفور، میتوان گفت، در ترجمه این غزل، باوجود این که بل در قسمتهایی از ترجمه خود حذف و اضافه‌هایی انجام داده، اما ترجمه‌ای نسبتاً کامل به دست داده و نیز با اضافه کردن توضیحاتی برای شرح بهتر اندیشه حافظ، به نوعی از ترجمه تفسیری (Interpretation) و نیز ترجمه مقفا (Rhymed translation) نیز بهره برده است.

### غزل شماره ۵

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را / به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت / کنار آب رکن‌آباد و گلگشت مصلاً را (خانلری، ۱۳۵۹: ۲۲)

On Turkish maid of Shiraz! in thy hand  
If thou'lt take my heart, for the mole on thy cheek  
I would barter Bokhara and Samarkand.  
Bring, Cup-bearer, all that is left of thy wine! (Bell, 1897: 71)

الف) در ترجمه این غزل، بل از کلمهٔ *maid* به معنی "دوشیزه یا زن جوان" و "خدمتکار مؤنث" و همچنین از ضمیر مؤنث (*her*) استفاده نموده که خود دلیلی بر تلقی بل از عشق زمینی و غیر صوفیانه میباشد. علاوه بر این در ترجمهٔ بیت ۴ واژهٔ "*my mistress*" و ضمیر "*her*" آورده شده است:

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است / به آب و رنّه و خال و خط چه حاجت روی زیبا را (خانلری، ۱۳۶۲: ۲۲)

Dowered is my mistress, a beggar am I;  
What shall I bring her? a beautiful face  
Needs nor jewel nor mole nor the tiring-maid's art. (Bell: 71)

خرمشاهی در کتاب حافظ‌نامه این غزل را غیر صوفیانه دانسته و در خصوص آن از قول دکتر معین بیان میکند، غلامان و کنیزان ترک‌نژاد زیبا بودند به همین مناسبت «ترک» به معنی معشوق زیباروی به کار رفته. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۱۰۹)

ب) در بررسی ترجمهٔ این غزل، بل از الگوی شمارهٔ ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گرترود بل ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید. برای مثال بیت ۹ که بسیار با تفصیل ترجمه شده است و با ارائهٔ ترجمه‌ای تفسیری، بل تلاش نموده تا مفهوم شعر حافظ را به درستی به مخاطبان خود القا کند.

غزل گفتی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ / که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را (خانلری، ۱۳۶۲: ۲۲)

The song is sung and the pearl is strung  
Come hither, oh Hafiz, and sing again!  
And the listening Heavens above thee hung  
Shall loose o'er thy verse the Pleiades' chain. (Bell: 71)

ج) بل تلاش نموده تا بسیاری از واژه‌ها کلیدی و ترجمه‌ناپذیر را نیز، در ترجمهٔ خود بیاورد. مثل: ترک شیرازی، گلگشت مصلاً، آب رکن‌آباد، لولی و... و نیز سعی داشته تا به اندیشه و سخن حافظ وفادار بماند. در ترجمهٔ این غزل نیز، همچون غزل پیشین، بسیاری از ابیات جابه‌جا ترجمه شده‌اند برای مثال: ۴ بیت نخست با ترتیب درست قرار گرفته‌اند و بعد از بیت ۴ بیت ۸ و سپس بیت ۵ ترجمه شده و در ادامه، ابیات ۶، ۷ و ۹ ترجمه شده‌اند.

غزل شمارهٔ ۲۰

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر / زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر

قلب بی حاصل ما را بزَن اکسیر مراد / یعنی از خاک در دوست نشانی به من آر (خانلری، ۱۳۵۹: ۵۰۲).

FROM out the street of So-and-So,  
Oh wind, bring perfumes sweet to me!  
For I am sick and pale with woe;

Oh bring me rest from misery!  
The dust that lies before her door.  
Love's long desired elixir, pour  
Upon this wasted heart of mine  
Bring me a promise and a sign! (Bell, 1897: 90)

الف) در ترجمه این غزل و همچنین، از ضمیر مؤنث (her) استفاده شده است و این ضمیر در ترجمه ابیات دوم و سوم، ۳ بار تکرار شده است که خود دلیلی بر برداشت غیر صوفیانه بل از این غزل است. ب) در بررسی ترجمه این غزل، بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گرتروود بل ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید و حتی معادل واژه‌ها و عباراتی که فهم و درکشان برای خواننده س انگلیسی زبان دشوار است، مثل "کمینگاه نظر" را به درستی انتخاب کرده، برای مثال در ترجمه بیت سوم شاهد این موضوع هستیم:

در کمینگاه نظر با دل خویشم جنگ است / ز ابرو و غمزه او تیر و کمانی به من آر (خانلری، ۱۳۶۲: ۵۰۲)

Between the ambush of mine eyes  
And my heart's fort there's enmity  
Her eye-brow's bow, the dart that flies,  
Beneath her lashes, bring to me! (Bell: 90)

ج) گرتروود بل تلاش نموده تا بسیاری از واژه‌ها کلیدی و ترجمه‌ناپذیر را نیز، در ترجمه خود بیاورد و به اندیشه و سخن حافظ وفادار بماند. در ترجمه این غزل نیز، برخلاف غزل پیشین، ابیات با ترتیب درستی ترجمه شده‌اند. بل برای ترجمه بیت ۶ ام این غزل: ساقیا عشرت امروز به فردا مفکن/ یا ز دیوان قضا خط امانی به من آر، ترجمه‌ای بسیار مناسب و قابل فهم برای مخاطبان انگلیسی‌زبان آورده است:

Cup- bearer, seize to-day, nor wait  
Until to-morrow! – Or from fate  
Some passport to felicity,  
Some written surety bring to me!

### غزل شماره ۶

گل‌عداری ز گلستان جهان ما را بس / زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس  
من و هم‌صحبتی اهل ریا دورم باد / از گرانان جهان رطل گران ما را بس (خانلری، ۱۳۵۹: ۵۴۰)

A FLOWER-TINTED cheek, the flowery close  
Of the fair earth,, these are enough for me  
Enough that in the meadow wanes and grows  
The shadow of a graceful cypress-tree. (Bell, 1897: 73)

الف) در ترجمه ابیات ۵ و ۶ این غزل، بل از ضمیر مؤنث "her" و نیز از واژه ی "my love" برای ترجمه واژه ی "یار" استفاده کرده است که نشانگر خوانش غیر صوفیانه اش از این غزل میباشد. یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم / دولت صحبت آن مونس جان ما را بس (همان، ۵۴۰)

I have my Love, what more can I obtain?  
Mine is the joy of her companionship  
Whose healing lip is laid upon my lip  
This is enough for me! (Bell, 1897: 73)

خرمشاهی در کتاب حافظ‌نامه، در شرح این غزل با پرداختن به کلیدواژه‌های مهمی چون: رند، دیر مغان، اشارت، قناعت و... و نیز تف‌سیر بیت پنجم این غزل: نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان/ گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس (همان: ۵۴۰)

که بدین شرح است: ناز و نعیم جهان در قبال رنج و آسیب‌ناپذیر است و ما خود را از معرکه یا مهلکه این سود و زیان بیرون میکشیم. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۸۵۹) خوانشی صوفیانه از این غزل ارائه میدهد که با خوانش گرتروود بل متفاوت است.

ب) در خصوص این غزل و بررسی ترجمه آن، باید خاطر نشان کرد که بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لغور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گرتروود بل ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبان ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید.

ج) ترجمه این غزل نسبتاً طولانی است و بل توضیحاتی را جهت فهم بهتر مفهوم، به ترجمه‌اش افزوده. برای مثال همان‌طور که پیشتر گفته شد، برای ترجمه ۲ بیت نخست این غزل را در حدود ۴ بیت آورده است. بل تمام تلاش خود را برای حفظ امانت و انتقال دقیق سخن حافظ به کار گرفته است، برای مثال: در بیت دوم، ترجمه‌ای بس‌پار درخور سخن حافظ ارائه نموده و طبق آنچه گفته شد، نه تنها ترجمه تحت‌اللفظی و خسته‌کننده‌ای انجام نداده؛ بلکه با ارائه ترجمه‌ای تفسیر گونه، سعی در انتقال مفهوم شعر به مخاطبان خود دارد: من و هم صحبتی اهل ریا دورم باد/ از گرانان جهان رطل گران ما را بس (خانلری، ۱۳۶۲: ۵۴۰)

I am no lover of hypocrisy;  
Of all the treasures that the earth can boast,  
A brimming cup of wine I prize the most This is enough for me! (Bell: 73)

#### غزل شماره ۲۵

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد/ زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

آن همه ناز و تنعم که خزان میفرمود/ عاقبت در قدم باد بهار آخر شد (خانلری، ۱۳۵۹: ۳۴۰)

THE days of absence and the bitter nights  
Of separation, all are at an end!

Where is the influence of the star that blights!

My hope ? The omen answers : At an end! (Bell, 1897: 97)

الف) در ترجمه این غزل، بل از واژه‌ها و عباراتی استفاده نموده که نشان از نگرش غیر صوفیانه او دارد ابیات ۵ و ۶، عبارات "my lady's hair" و تکرار مجدد آن در بیت بعدی و نیز "My mistress" در ترجمه واژه‌های "گیسوی نگار" و "یار" آورده شده و از ضمیر مونث "her" نیز استفاده شده است و میتوان گفت، خوانش بل از این غزل، غیر صوفیانه بوده است.

خرمشاهی در کتاب حافظ‌نامه، در شرح این غزل و از قول قاسم غنی اینگونه بیان میکند: «شادروان غنی احتمال میدهد که این غزل ناظر به سرآمدن حکومت پرجور و تعدی امیر پیرحسین در شیراز و غلبه یافتن شاه شیخ

ابواسحاق بر اوست.» در ادامه بیان میکند: «اگر این اشاره شادروان غنی که محتمل الصدق است نبود، سراپای این غزل، شکر و شادی عارفانه‌ای را نشان میداد.» (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۶۳۷)

ب) در خصوص این غزل و بررسی ترجمه آن، باید خاطر نشان کرد که بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لغور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گرتروید بل ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبان ساده‌تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید. برای مثال در ترجمه بیت پنجم، بل به تفسیر این بیت پرداخته و در تلاش برای القای کامل این مفهوم به مخاطبان خود است:

آن پریشانی شهبای دراز و غم دل / همه در سایه گیسوی نگار آخر شد (خانلری، ۱۳۶۲: ۳۴۰)

The Day of Hope, hid beneath Sorrow's veil,  
Has shown its face ah, cry that all may hear:  
Come forth! the powers of night no more prevail!  
Praise be to God, now that the rose is near  
With long-desired and flaming coronet,  
The cruel stinging thorns all men forget,  
The wind of Winter ends its proud career. (Bell: 97)

ج) همان طور که در بالا اشاره شد، ترجمه این غزل، نسبتاً طولانی است و بل توضیحات بیشتری را در بعضی از ابیات، جهت فهم بهتر مفهوم برای خوانندگان انگلیسی زبان، به ترجمه‌اش افزوده. برای مثال ترجمه بیت ششم که برای تفهیم بهتر معنی غزل در ترجمه عبارات "بدعه‌دی ایام" "دولت یار" "آخر شد" توضیحاتی را افزوده است تا ترجمه‌ای وفادارانه به سخن و اندیشه حافظ ارائه دهد.

باورم نیست ز بدعه‌دی ایام هنوز / قصه غصه که در دولت یار آخر شد (خانلری، ۱۳۶۲: ۳۴۰)

Under the history of all my woe,  
My mistress sets her hand and writes: Finis.  
Oh, linger not, nor trust the inconstant days  
That promised: Where thou art thy lady stays  
The tale of separation ends with this! (Bell: 97)

در این غزل، ابیات ۳ و ۴ نیز جابه‌جا ترجمه شده‌اند.

### غزل شماره ۲۸

یاد باد آن که نهانت نظری با ما بود / رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود

یاد باد آنکه چو چشمت به عتابم میکشت / معجز عیسویت در لب شکرخا بود (خانلری، ۱۳۵۹: ۴۱۶)

HAST thou forgotten when thy stolen glance  
Was turned to me, when on my happy face  
Clearly thy love was writ, which doth enhance  
All happiness ? or when my sore disgrace  
(Hast thou forgot ?) drew from thine eyes reproof,  
And made thee hold thy sweet red lips aloof,  
Dowered, like Jesus' breath, with healing grace? (Bell, 1897: 101)

الف) در ترجمه بیت ۳ از این غزل، واژه "my love" به جای "یار" و ضمائر "she" و "her" که دوبار تکرار شده، آورده شده اند که نشان از معشوق مونث و خوانش غیر صوفیانه بل از این غزل دارد.

حمیدیان در کتاب شرح شوق، ذیل توضیح بیت دوم بیان میکند: «مطابق سنت شعری، چشم یار میکشد یافته و آشوب برپا میکند ولی لب او حیات میبخشد.» که این میتواند مهتری بر تایید غیر صوفیانه بودن این خوانش باشد. اما در ادامه و توضیح بیت سوم، چنین بیان میکند: «شاعر در اینجا قصد توضیح روح معنویت حاکم بر فضای خلوت خود با مخاطب را دارد و ذکر "خدا با ما بود" برای آن است که بگوید هیچ شخص ثالثی جز خدا در آنجا حضور ندارد.» (حمیدیان، ۱۳۸۹: ۲۵۱۳)

ب) در خصوص ترجمه این غزل، باید خاطر نشان کرد که بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است و ترجمه‌ای تفسیری از این غزل ارائه کرده و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده تر نموده و ترجمه را قابل فهم نماید. برای مثال ترجمه بیت دوم که به خوبی نشانگر این موضوع است:

یاد باد آنکه چو چشمت به عتابم میکشت / معجز عیسویت در لب شکرخا بود (خانلری، ۱۳۶۲: ۴۱۶)

(Hast thou forgot?) drew from thine eyes reproof,  
And made thee hold thy sweet red lips aloof,  
Dowered, like Jesus's breath, with healing grace? (Bell: 101)

ج) گرترود بل توضیحاتی را جهت فهم بهتر مفهوم، به ترجمه این غزل افزوده و تمام تلاش خود را برای حفظ امانت و انتقال دقیق سخن حافظ به کار گرفته است، این ترجمه با وجود وفاداری به متن، نه تنها تحت الفظی و بسته‌کننده نیست؛ بلکه بسیار خواندنی است. برای مثال ترجمه بیت ششم که در عین وفاداری، بسیار زیبا و قابل فهم برای مخاطبان انگلیسی‌زبان است:

یاد باد آن که چو یاقوت قدح خنده زدی / در میان من و لعل تو حکایتها بود (خانلری، ۱۳۶۲: ۴۱۶)

The goblet's carbuncle (hast thou forgot?)  
Laughed out aloud, and speech flew hot  
And fast between thy ruby lips and mine! (Bell:101)

### غزل شماره ۳۸

دست از طلب ندارم تا کام من برآید / یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید

بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر / کز آتش درونم دود از کهن برآید (خانلری، ۱۳۵۹: ۴۷۴)

I CEASE not from desire till my desire  
Is satisfied ; or let my mouth attain  
My love's red mouth, or let my soul expire,  
Sighed from those lips that sought her lips in vain. (Bell, 1897: 112)

الف) در ترجمه این غزل ضمیر "her" و واژه‌های چون "my love"، "lover"، "beloved"، "man" و "and woman" و نیز عبارت "A red rose soft and sweet as thy soft cheek" که توصیف زیبایی معشوق است، به کار رفته که همه نشان از معشوق مؤنث و زمینی و در حقیقت خوانش غیر صوفیانه بل از این غزل دارد.

ب) در خصوص این غزل و بررسی ترجمه آن، باید خاطر نشان کرد که بل از الگوی شماره ۵ و ۷ لفور که در بخش نخست پژوهش اشاره شد، استفاده نموده است. گرترود بل با ارائه ترجمه‌ای تفسیری و با آوردن توضیحات و واژه‌ها بیشتر در بعضی از موارد، تلاش نموده تا مفهوم شعر را برای مخاطبانش ساده تر نموده و ترجمه را

قابل فهم نماید که با توجه به طولانی بودن ترجمه این غزل نسبت به اصل شعر، در ترجمه تمام ابیات این غزل شاهد این تفسیر هستیم.

ج) ترجمه این غزل نسبتاً طولانی است و بل توضیحاتی را جهت فهم بهتر مفهوم، به ترجمه‌اش افزوده. ترتیب ابیات در ترجمه جابه‌جاشده است. بل تمام تلاش خود را برای حفظ امانت و انتقال دقیق سخن حافظ به کار گرفته است و نه تنها ترجمه تحت‌اللفظی و خسته‌کننده‌ای انجام نداده؛ بلکه با ارائه ترجمه‌ای تفسیر گونه، سعی در انتقال مفهوم شعر به مخاطبان خود دارد، برای مثال، همان‌طور که در بیت نخست دیده میشود، ترجمه‌ای بسیار دقیق و وفادارانه ارائه داده است.

### نتیجه‌گیری

به دلیل محدودیت فضا و نیز مدیریت حجم این نوشتار، تعداد ۱۵ ترجمه از گرتروید بل، را که بیشتر به موضوع این پژوهش، مرتبط بوده است و به هدف این پژوهش یعنی، رسیدن به پاسخ ۳ پرسش ابتدایی مقاله، کمک میکرد و موضوع بررسی این مقاله در موارد آورده شده، بسیار ملموس تر بود، این ۱۵ غزل را به عنوان نمونه، انتخاب و در این قسمت ذکر نمودیم؛ همان‌طور که در پژوهش حاضر بررسی شد، گرتروید بل در مقدمه‌ی خود در کتاب «غزلیاتی از دیوان حافظ» بیان کرده که برداشتش از غزلیات و خوانش او در ترجمه اشعار حافظ، بیشتر خوانشی غیر صوفیانه بوده و تلاشی برای عرفانی و صوفیانه نشان دادن اندیشه‌ی حافظ ندارد؛ او همان معنای ظاهری را می‌پسندید و از آن حظ وافر میبرد. اما آنچه در یادداشتها و ترجمه دیده میشود، بیشتر برداشتی عارفانه است و در نهایت، نتیجه‌ای که از بازبینی همه اشعار مورد بررسی، برآمد تا در نهایت به پاسخ پرسشهای اصلی پژوهش برسیم، به شرح زیر میباشد:

در پاسخ به پرسش اصلی و نخست این پژوهش باید گفت، در این ۱۵ غزل مورد بررسی، بل در ترجمه ۶ غزل، برداشتی صوفیانه داشته و در ۹ ترجمه، برداشت او، طبق مواردی که پیش تر به آنها پرداختیم، از سخن حافظ غیر صوفیانه بوده است. برای رسیدن به خوانش او، از نظر و عقیده شخصی گرتروید بل که در انتهای غزلیات و در قسمت مؤخره که توضیحات وی بر غزلیات حافظ است، کمک گرفتیم. همچنین برای تشخیص خوانش او، از ضمائر مونث و مذکر و نیز عبارات شاخصه نمای مورد استفاده در ترجمه نیز بهره برده ایم. در پاسخ به پرسش دوم میتوان چنین بیان نمود که گرتروید بل، در قسمتهایی از ترجمه خود حذف و اضافه‌هایی انجام داده و در برخی موارد از جمله غزل شماره ۱۸، خوانشی غیر وفادارانه و همراه با تعصب ارائه داده است، اما در کلیت ترجمه‌های مورد بررسی، میتوان گفت، ترجمه وی در قیاس با اصل اشعار، نسبتاً کامل و وفادارانه بوده است.

بل در مواردی نیز با اضافه کردن توضیحاتی برای شرح بهتر اندیشه حافظ به مخاطبان انگلیسی‌زبان خود، طبق الگوی هفت فن آندره لفور، میتوان گفت، با وجود اینکه در ترجمه غزلیات مورد بررسی در این پژوهش از ترجمه تفسیری (Interpretation) و نیز ترجمه مقفا (Rhymed translation) بهره برده است. در حقیقت گرتروید بل، در تمام ۱۵ غزل مورد بررسی، از الگوی ترجمه تفسیری و ترجمه مقفا بهره برده است.

و در نهایت در پاسخ به پرسش نهایی این پژوهش باید چنین گفت که با وجود حضور فراگیر عرفان و ریطوریقای مستی استعاری و اصلاحات عرفانی خاص و نیز ملازم با آن نبود ضمیر شاخص نما در زبان فارسی، واضح ترین مشکلاتی است که مترجم اشعار فارسی سده‌های میانه باید با آنها مواجه شود و در نظر گرفتن این مشکلات،



باید بیان کرد که او در بیشتر ترجمه‌های خود از حافظ خوانشی وفادارانه و نزدیک به تفکر شخصی حافظ در غزلیاتش داشته و تلاش نموده تا تفکری که در پس این ابیات نهفته را در کمال درستی، در ظرف زبان مقصد بریزد و به مخاطبان انگلیسی‌زبان خود ارائه نماید، در حقیقت بل، تلاشی برای تغییر اصل اشعار نداشته است و بنا به نتیجه پژوهش، وی در تلاش جهت حفظ ساختار و معنای اصلی غزلیات حافظ به زبان انگلیسی بوده است. در بیشتر موارد چرخش، تغییرات و افزایش‌های اجتناب‌ناپذیر در ترجمه بل مشاهده می‌شود که نه تنها خللی به درونمایه کلام شاعر ایجاد نکرده، بلکه بر زیبایی کلام او افزوده است و مخاطب به این مهم دست می‌یابد که ارائه تعادل ترجمه‌ای کامل، آن هم به نظم، کاری بس مشکل و در مواردی نیز غیرممکن است.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه بوعلی سینای همدان استخراج شده است. سرکار خانم دکتر لیلا هاشمیان راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم فاطمه سعیدی دانشجوی دوره دکتری پژوهشگر این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر می‌باشد.

### تشکر و قدردانی

نگارندگان از مجموعه آموزشی دانشگاه بوعلی سینا تقدیر و تشکر مینمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدۀ نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCES

- Annette A. (1977). Gertrude Bell. Translated by Houshang Abrami. Tehran: Publications of the book translation and publishing company, third edition. [in Persian]
- Bell, G. L. (1987) Poems from the Divan of Hafiz. Translated by Gertrude Lowthian Bell. London, William Heinemann.
- Bell, L. G. (1984). Pictures from Iran, translated by Bozormehr Riahi, Tehran: Kharazmi Publications. [in Persian]
- Davis, Dick. (2011). On the untranslatability of Hafez's poetry. Translated by Mustafa Hosseini and Behnam Mirzababazadeh Fomshi, Comparative literature, (Special edition of Farhangistan), year 3, number 5, pp. 62-75. [in Persian]
- Farshidvard, Kh. (1996). Hafez's roles. Tehran: Safi Alisha. [in Persian]
- Heydari, A. (2008). "Reminiscences of Gertrude Bell". Payam Baharestan, second term, autumn and winter, numbers 1 and 2, pp. 554-560. [in Persian]

- Heydari, A. (2019). The cultural comprehensiveness of Hafez's literary work in human societies and its reflection in the images of Hafez's illustrated version. Preserved in New Delhi Museum, Islamic Art Studies, 1-17. [in Persian]
- Hosseini, M. (2022). Hafez according to the narration of Gertrude Bell. Tehran: Shimesh publication. [in Persian]
- Khanleri, P. (1980). Divan-e-Hafez. first volume. First edition, Khwarazmi Publishing House, Tehran: Nile Printing. [in Persian]
- Khanleri, P. (1983). Divan-e-Hafez. The second volume. First Edition. Kharazmi Publications, Tehran: Nile Press. [in Persian]
- Kivani, M (2010). English translations of Hafez's poetry. The following is Hafez's entry in the Big Islamic Encyclopaedia, volume 19, under the supervision of Kazem Mousavi Bojnardi, Tehran: Center for the Big Islamic Encyclopedia. [in Persian]
- Lefevere, A. (1975), Translating Poetry: Seven Strategies and a Blueprint. Amsterdam: Van Gorcum.
- Loloui, P. (2015). "Translations of Hafez into English". Translated by Mustafa Hosseini, Translator's Quarterly, Year 25, Number 60, pp. 8-75. [in Persian]
- Michael Wickens, G. (2021). Grotrude Margaret Lothian Bell. Translated by Mustafa Hosseini. Caravan Quarterly, Year 7, Number 28. [in Persian]
- Nosrati, A, Bahrami, R. (2012). "A Comparative Study of Love in the Ghazals of Molana, Saadi and Hafez". Nehzadi Quarterly in Dari (lyrical, mystic literature), third year, ninth issue, winter 2013. pp. 67-82. [in Persian]
- Razmjo Bakhtiari, Sh. (2021). "A review of the English translation of a ghazal by Hafez based on the correct understanding of the text". Poetry Research Journal (Bostan Adab), Shiraz University. Year 13, No. 2, pp. 85-120. [in Persian]

#### فهرست منابع فارسی

- ایبل، آنت. (۱۳۵۶). گرتروود بل. ترجمه هوشنگ ابرامی. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ سوم.
- بل، لوئیان گرتروود (۱۳۶۳). تصویرهای از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- جوادی، حسن. (۱۳۹۶). تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی. تهران: سمت.
- حسینی، مصطفی. (۱۴۰۱). حافظ به روایت گرتروود بل. تهران: نشر خاموش.
- حیدری، آزاده. «یادی از گرتروود بل». پیام بهارستان، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱ و ۲، صص ۵۵۴-۵۶۰.
- حیدری، علی. (۱۳۹۹). جامعیت فرهنگی اثر ادبی حافظ در جوامع بشری و انعکاس آن در تصاویر نسخه‌ی مصور حافظ. محفوظ در موزه‌ی دهلی نو، مطالعات هنر اسلامی، ۱-۱۷.
- خانلری، پرویز. (۱۳۵۹). دیوان حافظ. جلد اول. چاپ اول، انتشارات خوارزمی، تهران: چاپ نیل.
- خانلری، پرویز. (۱۳۶۲). دیوان حافظ. جلد دوم. چاپ اول. انتشارات خوارزمی، تهران: چاپ نیل.
- دیویس، دیک. (۱۳۹۱). «در ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ». ترجمه مصطفی حسینی و بهنام میرزابابازاده فومشی، ادبیات تطبیقی، (ویژه‌نامه فرهنگستان)، سال ۳، شماره ۵، صص ۶۲-۷۵.

- رزمجو بختیاری، شیرین. (۱۴۰۰). «بررسی ترجمه انگلیسی غزلی از حافظ بر پایه برداشت درست از متن». *مجله شعر پژوهی (بوستان ادب)*، دانشگاه شیراز. سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۸۵-۱۲۰.
- سرپرست، فاطمه. آل بویه لنگرودی، عبدالعلی. سیفی، محسن. (۱۳۹۷). نقد و بررسی ترجمه شعر عرفانی با رویکرد نظریه لفور (بررسی موردی ترجمه محمد الفراتی از غزلیات حافظ).
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۵). نقش آفرینی‌های حافظ. تهران: صفی‌علیشاه.
- کیوانی، مجدالدین (۱۳۹۰). ترجمه‌های انگلیسی شعر حافظ. ذیل مدخل حافظ در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد نوزدهم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*.
- لولویی، پروین (۱۳۹۵). «ترجمه‌های حافظ به انگلیسی». ترجمه مصطفی حسینی، فصلنامه مترجم، سال ۲۵، شماره ۶۰، صص ۷۵-۸۰.
- مایکل ویکنز، جورج. (۱۴۰۰). گروتود مارگرت لوتیان بل. ترجمه مصطفی حسینی. فصلنامه کاروان، سال هفتم، شماره ۲۸.
- نصرتی، عبدالله، بهرامی، راضیه. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی عشق در غزلیات مولانا، سعدی و حافظ». فصلنامه تخصصی در ادبیات غنایی، عرفانی، سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۶۷-۸۲.

#### معرفی نویسندگان

فاطمه سعیدی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

(Email: [neginsaeedi1@gmail.com](mailto:neginsaeedi1@gmail.com))

(ORCID: 0009-0003-5838-2638)

لیلا هاشمیان: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

(Email: [l.hashemian@basu.ac.ir](mailto:l.hashemian@basu.ac.ir): نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-3128-9241)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Fatemeh Saeedi:** Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Bo Ali Sina, Hamadan, Iran.

(Email: [neginsaeedi1@gmail.com](mailto:neginsaeedi1@gmail.com))

(ORCID: 0009-0003-5838-2638)

**Leila Hashemian:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, University of Bo Ali Sina, Hamadan, Iran.

(Email: [l.hashemian@basu.ac.ir](mailto:l.hashemian@basu.ac.ir): Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-3128-9241)